

بسمه تعالی

نهضت حسینی(ع) از نگاه بزرگان و پیشوایان مسلمان و غیرمسلمان.*

برادران و خواهران نهایت عزیز و محترم، امروز که ماوشما در این خانه خدا(ج) و خیلی ها دور از وطن عزیز ما افغانستان، گرد هم جمع شده ایم تا یادی از جانبازیهای جگرگوشهء خاتم الانبیاء محمد مصطفی(ص)، ذکری از حماسه آفرینی های فرزند زهراء، سیدالشهداء امام حسین ابن علی علیه السلام بنمائیم. باعجز و ناتوانی، عشق و محبت حسینی بنده را نگذاشت تا در این محفل با شکوه و نورانی حصه نگیرم و از شخصیت والای امام حسین(ع)، نهضت حسینی و واقعهء کربلا یادی نکنم. آری امام حسین(ع) کسی است که خاتم الانبیاء محمد مصطفی(ص) راجع به ایشان می فرماید: حُسَيْنٌ مَنِيْ وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ، لَحْمِكَ لَحْمِي، عَظْمُكَ عَظْمِي وَ دَمُّكَ دَمِّي. یعنی حسین از من است و من از حسینم، گوشت حسین گوشت من است، استخوان حسین استخوان من است و خون حسین خون من است. زهی به مقام والايت يا ابا عبدالله الحسين(ع) ! .

حسین(ع) کسی است که حضرت عمر فاروق خلیفهء دوم مسلمین(رض) خطاب به وی نموده میگوید: تو بر فرزند من ابن عمر مقدم هستی، و در مغزو فکر ما جز خدای و شما چیزی دیگری خطور نمی کند. داستان امام حسین(ع)، داستان انسانیت است و هر جان عاقل خواستار آن میباشد. فضیلت ها جمع شده اند، و کمالات همه گرد هم آمده اند، و بدست توانای حق، نقش حسین رابه دفتر وجود کشیده اند.

امام حسین(ع) پیشوای انسانهاست، رهبر انقلاب ملتهاست، کسی است که بوسیلهء شهادت، درس عقیده و جهاد در راه آنرا برای همه آموخت، و با مرگ خود به حقیقت زندگی رسید. حسین(ع) کسی است که با از دست دادن جوانان خاندان خود، پاکی نظر و صدق نیتش را ثابت کرد و بدیگران نیز راه پاکی و صداقت آموخت. بلی حسین(ع) تعلیم داد که با آن قربانی ها به قربت توان واصل شد، با آن گذشتها، به منزلگاه حق و مرز کمال، پای توان نهاد.

حسین(ع) کسی است که با همراه بردن زنان و اطفال خاندان خود که همه به اسارت و بلا گرفتار شدند، نشان داد که مبارزهء یزید و یزید صفتان با او، جنبهء مخالفت با شخص ندارد و بر اساس یک نبرد مردانه نیست. و با این طرح عالی پرده هارا بالا زد و ناکسانیرا که به لباس اسلام و تقوی در آمده و قیافهء شجاعان بخود گرفته بودند، به عالم معرفی کرد. امام حسین(ع) کسی است که با قربانی طفل خورد شیر خارش، اهل دنیا را معترف نمود به اینکه اصلأ در جبههء مقابل او عواطفهء انسانی وجود ندارد و از حد اقل مشخصات آدمیت هم بدورند.

حسین(ع) برای بیداری جهانیان قیام کرد، گرچه بظاهر خونس را ریختند و بس کشته و اسیر داد، اما در حقیقت آدمیان را از اسارت نفس و ذلت نجات بخشید. مکتب حسینی فهماند، کسیکه امید خود را به خدا دارد و جز از خدا نترسد، بدان مقامی رسد که اگر همه چیز خود را در راه حق از دست دهد، نشاط از چهره اش دوری نگیرد، و وجد جانش پایان نپذیرد، سر به هیچ آستانی سوای پروردگار نساید، و بیم از هیچ نیروئی جز قدرت آفریدگار به دل راه ندهد. امام حسین(ع) بواسطهء شخصیت عالیقدرش، بواسطهء شهادت قهرمانانه اش، مالک قلب ها و احساسات میلیونها انسان است. راز یقاع امام حسین(ع) اینست که نهضتش منطقی بوده و در عمق احساسات و عواطف انسانها راه یافته است. اینک بطور بسیار فشرده آنچه دانشمندان، پیشوایان مذهبی، سران ملل، اعم از مسلمان و غیرمسلمان دربارهء نهضت امام حسین(ع) و نتایج آن گفته اند، خدمت ارایه میگردد:

و اشنگتن ایرویک مورخ مشهور امریکائی می نویسد:

"برای امام حسین ممکن بود که زندگی خود را با تسلیم شدن به ارادهء یزید به آسایش رساند. لیکن مسؤلیت پیشوائی و نهضت بخشی اسلامی اجازه نمی داد که یزید رابه عنوان خلیفهء اسلام بشناسد، لذا خود را برای قبول هر ناراحتی و فشار، به منظوررها ساختن اسلام از چنگال بنی امیه آماده ساخت. و روح فنا ناپذیر حسین (هم اکنون) روی ریگهای سوزان عربستان بر پاست، ای نمونهء شجاعت، ای شهسوار من، ای حسین!"

چارلز ویکنس نویسنده انگلیسی گوید:

"اگر منظور حسین(ع) جنگ در راه خواسته های دنیائی خود بود، من نمی فهمم چرا خواهران و اطفالش رابه همراه خود برد؟ پس عقل سلیم چنین حکم میکند که او بخاطر اسلام فداکاری خویش را انجام داد." توماس کارلیل مؤرخ و فیلسوف انگلیسی گوید:

"بهترین درسی که از سرگذشت کربلا میگیریم، اینست که حسین (ع) و یارانش ایمانی استوار به خدا داشتند، آنها با اعمال خود ثابت کردند که در مقام مبارزه حق و باطل تفوق عددی اهمیت ندارد، و پیروزی حسین (ع) با وجود اقلیتی که داشت باعث شگفتی من است." ماریین خاورشناس آلمانی می نویسد:

حسین (ع) میدانست که عداوت ذاتی و موروثی اموی ها با خاندان هاشم و ائین محمد (ص) زایل شدنی نیست، و شرک بر اندام خویش، لباس مسلمانی و توحید پوشیده بود، میخواست انتقام بگیرد. حسین (ع) بخوبی میدانست که بنی امیه غیر از محو آثار اسلام و قرآن نظری ندارند. حسین (ع) مدتها بود که خود را آماده پیکار کرده بود و در انتظار چنین روزی دقیقه شماری می کرد و میدانست که زنده ماندن نام جاویدان اسلام و قرآن مستلزم آنست که او را شهید کنند و با خون مقدسش درخت دین آبیاری شود.

هدف حسین (ع) جلوگیری از ظلم بود و بس. قوت قلب و از خود گذشتگی در راه مقصود عالی خویش به خرچ داده است، حتی در آخرین دقیق زندگی، طفل شیرخوار خود را قربانی حق و حقیقت نمود و با این عمل اندیشه فلاسفه و بزرگان عالم را متحیر ساخت. "مها تما گاندی رهبر بزرگ هند گوید:

"من برای مردم هند چیزی تازه ای نیاورده ام، فقط نتیجه را که از مطالعات و تحقیقات خود در باره تاریخ زندگی قهرمان کربلا بدست آورده بودم، از مغان ملت هند نمودم. ما اگر بخواهیم هند را نجات دهیم واجب است راهی را بیابیم که حسین ابن علی علیه السلام پیمود." محمد علی جناح، قائد اعظم پاکستان گوید:

"هیچ نمونه از شجاعت، بهتر از آنکه امام حسین از لحاظ فداکاری و تهویر نشان داد، در عالم پیدا نمی شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از سر مشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربان کرد، پیروی نمایند." امام شافعی گوید: "خاطره کربلا، باران دومی در دلم فرو می ریزد، و چون بیاد می آورم که حسین (ع) را با وجود بیگناهی مسلم، آن گونه بی رحمانه کشتند، خواب بر دیدگانم حرام میگردد.

یاد این حادثه محاسنم را سفید کرده است، و روزی نمی گذرد که اهم از سینه بر نیاید و اشکم بر گونه نغذد."

شیخ عبدالقدر گیلانی می نویسد: "عاشوراء، روز گریه و ندبه است، و چون باید هر مسلمانی در آن روز بیاد امام حسین (ع) باشد، هیچ کس را روانیست که بدان روز خوشگذرانی کند و شاد باشد." بعضی از دانشمندان اسلامی غیر شیعه چنین گفته اند: ابن ابی الحدید معتزلی گوید: "سرور مردانیکه از قبول ستم امتناع کردند و همانکس که به مردم حمیت و غیرت آموخت و به آنان فهماند که به شمشیر مردن، از پستی و مذلت بهتر است، حسین بن علی (ع) می باشد، که به او یارانش پیشنهاد امان شد، ولی نپذیرفت و گفت: آگاه باشید که ناکس فرومایه ای به من اتمام حجت نموده و مرا میان کشته شدن و تسلیم شدن مخیر ساخته است، لیکن ذلت از ساختن من به دور است، نه خدا راضی است که من ذلیل شوم، نه پیغمبر خدا، و نه مردان با ایمان دنیا، و نه دامن پاکی که مرا پرورش داده و نه آن روح با مناعت که من دارم. من هرگز طاعت لنیمان را بر کشته شدن شرافتمندانه ترجیح نخواهم داد."

عمر ابو النصر، نویسنده فاضل سوری گوید: "قیام حسینی (ع) قیام فردی نبوده، بلکه قیام بر ضد حکومتی بوده است که صلاحیت فرمانروائی اسلامی را نداشته و شرایط خلافت را از حیث عدالت و ایمان، و اخلاق و علم دارا نبوده است." ابن جوزی محقق حنبلی می نویسد: "علت اینکه امام حسین (ع) از بیعت یزید سرکشید و خود را به کشتن داد، این بود که دید، دین بازیچه شده است و از اثر افتاده است، یعنی دین بر اعمال مردم حاکم نیست و فقط به جهت رعایت ظاهر از دیانت نام می برند و صورتی از آن را نمایش میدهند. امام حسین خواست با این خود داری از بیعت، و تن به قتل دادن، دین را تازه کند و در افکار مردم نافذ گرداند، این بود که چون محاصره اش کردند و گفتند که سر بر فرمان ابن زیاد گذارد، نپذیرفت و کشته شدن را بردلت و بی دینی ترجیح داد. آری نفوس شریفه چنین هستند." عبدالحمید جوده السحار نویسنده مصری می نویسد: "حسین (ع) نمی توانست با یزید بیعت کند و به حکومت او تن بدهد، زیرا در آن صورت برفس و فجور صحنه می گذاشت و ارکان ظلم و طغیان را محکم میکرد و بر فرمانروائی باطل تمکین می نمود. امام حسین به این کارها راضی نمیشد، گرچه اهل و عیالش به اسارت افتند و خود و یارانش کشته شوند." العیبدی، مفتی دانشمند موصل می نویسد:

"فاجعه کربلا در تاریخ بشری نادره ای است، همچنانیکه مسبین آن نیز نادره اند. همان گونه که جبهه حسینی در فضیلت قهرمانان زمانه اند، مخالفین و قاتلان آنان هم در ذلالت اعجوبه های دوران بشمار میروند. حسین ابن علی (ع) دفاع از حق مظلوم و مصالح عموم را بنا بر فرمان خداوند در قرآن به زبان پیغمبر اکرم (ص) و وظیفه خویش دید و از اقدام به آن تسامحی نورزید. او در برابر خود لکه عننگی دید که شستن آنرا به جز با خون گلوی خویش شایسته ندانست، و در مقابل خود سدی ملاحظه کرد که شکستن آن را جز با فشار گردن خویش متناسب نشناخت. هم او امت مغلوب را در محیط خود مشاهده نمود که برای رهائی آنان جز اسارت اهل و عیال، و بذل جان و مال خویش وسیله ای نیافت. پس هستی خود را در آن قربانگاه بزرگ فدا کرد و بدین سبب نزد پروردگار، "سرور شهیدان" محسوب شد، و در تاریخ ایام "پیشوای اصلاح طلبان" به شمار رفت، آری به آنچه خواسته بود بلکه برتر از آن، کامیاب گردید.

قبر او در کربلا، کعبه قاصدان و حرم طالبان است، و داستان او مایه عبرت برای اهل آن پس ای پسر دختر پیغمبر خدا، سلام خدا بر تو باد، و چشم اسلام را به تروشن کناد."

در اخیر چون ایام عزاداری امام حسین (ع) مییاشد، بیاد مصیبتی که بیدار ساز جهانیان و حرکت بخش دلها بسوی حق و عدالت است، پارچه شعری را از شاعر و عارف مشهور وطن عزیز ما مرحوم غلام سرور "دهقان" (از برادران اهل سنت و جماعت) خدمت تقدیم میدارم.

لوای حسین (ع)

برستخیز چو بالاشود لوای حسین
به یک زبان، همه گویند مرحبای حسین
غمی که در دل من هست، از برای حسین
دلیم بداندمن دانم و خدای حسین
بسوخت زهد و ریای تو ز اهدا! بخدا
خدا پداده جنان رابه خونبهای حسین
من آن نمک خور فقرم که گویم آدم را
نشین بگوشهء خلدویکن دعای حسین
قسم بحق خدا، گریب سوزش دوزخ
همینقدر که بود گبر، آشنای حسین
مرا که علم حق آموخت، معرفت دیدم
که فرش عرش بود دشت کربلای حسین
ز چاریار نبی وز چار مذهب پُرس
که داده بوسه محمد به دست و پای حسین
به هر دو دهر، گدای درش نمی گنجد
زمن می پرس دگر و صف بارگاه حسین
تو خواه خنده کنی خواه گریه، مختاری
ملک زند به سرو سینه، از برای حسین
مطیع آن حرکاتم که در طریقت عشق
مطاع هر دو جهان را کند، فدای حسین
مده به حور فریبم، تو ز اهدا بخدا
جنان گذارم افتم، به دست و پای حسین
بیا که معرفت کائنات در خواب است
بزیر سایهء گیسوی مشکسای حسین
مرا ببخش خدایا! برو ز رستاخیز
به بی گناهی اصغر، به های های حسین
گرت امید وصال علی و آل علیست
بساز خانهء دل را، چو کربلای حسین
خموش سرور "دهقان"، دگر خدا داند
ز ابتدای علی و زانتهای حسین

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۱۹۸۸، ۸، ۲۷، سدنی

*- این مقاله بالغ بر بیست و شش سال قبل در یک محفلی که از طرف جمعی از هم وطنان مهاجر ما اعم از برادران و خواهران تشیع و تسنن، بیاد از جانبازیهای سرور آزادگان و سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) در سدنی دایر شده بود، از طرف بنده تهیه و قرانت گردید.